

فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی

سال دوم - شماره پنجم - بهار ۱۳۹۸

شخصیت و اندیشه‌های علی بن ابی طالب^(ع) از منظر شرق‌شناسان فرانسوی

علی علیشاهی^۱
امین علیشاهی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف معرفی شخصیت و اندیشه‌های امام علی^(ع) از منظر شرق‌شناسان فرانسوی نگارش یافته است. برخی از مستشرقان با استناد به منابع معتبر به بیان حقایق و عده‌ای نیز با نوعی جانبداری و غرض‌ورزی به کتمان وقایع پرداخته‌اند. فرضیه نوشتار حاضر این است که فضای فکری و میزان دسترسی اسلام‌شناسان به منابع اسلامی و شیعی تأثیر قابل توجهی بر تحقیقات آنها گذاشته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ می‌دهد که مستشرقان فرانسوی چه تصویری از شخصیت و اندیشه‌های حضرت علی^(ع) را به خوانندگان خود ارائه نموده‌اند. بدیهی است مطالعه آراء مستشرقان در باب تاریخ اسلام صرفاً به منزله رد یا تأیید اولیه و شتاب‌زده آنها نیست، بلکه مراد این است که با دانستن نگاه اسلام‌شناسان نسبت به تشیع بتوانیم به اهداف و انگیزه‌های این دسته از مستشرقان نسبت به پژوهش درباره تشیع پی برده و شناخت حاصل نماییم.

کلید واژه: امام علی^(ع)، شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی، تشیع، شرق‌شناسان فرانسوی.

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)

Email: alialishahi2010@yahoo.com

^۲ سطح دو حوزه علمیه امام علی ابن ابی طالب^(ع) لارستان

Email: alishahi.a@chmail.ir

مقدمه

دعوت جهانیان به دین اسلام در پنج قرن اول با استقبال بسیار گسترده مردم کشورهای مختلف شرق و غرب جزیره العرب مواجه شد. عقلانیت، مستدل بودن عقاید اسلامی، جامعیت قوانین زندگی، انسانیت و معنویت‌گرایی دین اسلام و نیز اخلاص پیامبر^(ص) عامل عمده‌ای در پذیرش آزادانه این دین از سوی جوامع شرقی و غربی بود. ورود اسلام به اروپا، اندلس و مرزهای فرانسه، کلیسا و دستگاه پاپ را به وحشت انداخت. کلیسا که موجودیت مسیحیت را با حضور دین جدید و کامل در خطر می‌دید، به فکر چاره برآمد و تصمیم گرفت به شناسایی کامل این دین، پیامبر مسلمانان، ملت عرب، امت اسلامی و کشورهای اسلامی شرق بپردازد تا بتواند راه دفاع در برابر پیشرفت فرهنگ اسلام را شناسایی و از راه تبشیر و تبلیغ مسیحیت از گسترش اسلام بکاهد و به مبارزه با این آیین جدید برخیزد (زمانی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۲). در نیمه اول قرن بیستم مطالعات گسترده‌ای در اروپا درباره اسلام و تاریخ اسلام انجام گرفت که بینش و دیدگاه جدیدی را نسبت به گذشته در این زمینه ارائه کرده است. در این دوران، خاورشناسان کوشیدند نشان دهند قسمتی از مطالب مربوط به تاریخ اسلام و امام اول شیعیان دور از واقعیت است و از آنجایی که این مطالب در بسیاری از موارد پیوند عمیقی با اعتقادات اسلامی دارد، مطرح کردن آنها با دید غربی خاص این گروه باعث ایجاد شبهاتی در قشر وسیعی از مردم مسلمان گردید و در واقع بصورت ابزاری برای تعرض و تهاجم فرهنگی مغرب زمین در جهان اسلام گردید. در این میان کمتر انسان منصفی وجود داشت که با انگیزه حق‌طلبی بدین کار توجه کند و به آنچه در تحقیقات خود دست یافته در معرض دید عموم مردم و سایر اندیشمندان قرار دهد (میرشاهی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

در بررسی آراء مستشرقان راجع به حضرت علی^(ع) دو دیدگاه ارائه شده است: از یک سو، برخی از اسلام‌پژوهان با استناد به منابع معتبر و نگاهی محققانه و همه‌جانبه، دیدی علمی و مثبت ارائه نموده و برتری و تفوق حضرت علی^(ع) در همه زمینه‌ها را در مقایسه با دیگر خلفا تشریح نموده‌اند. همچنین در مورد مسأله خلافت و جانشینی آن حضرت پس از رحلت پیامبر^(ص) نیز معتقدند که حق قانونی آن حضرت غصب شده است و ایشان نتوانستند بلافاصله بعد از پیامبر به خلافت برسند. این عده خدمات امام را ارزیابی کرده و در آثار خود زبان به تحسین علی^(ع) گشوده‌اند. از سوی دیگر، عده‌ای از مستشرقان و شیعه‌شناسان فرانسوی با اهداف مغرضانه و تکیه بر منابع نامعتبر در برخی عرصه‌ها تشکیک کرده و نتوانسته‌اند پاسخی قانع‌کننده به خوانندگان خود ارائه دهند و فقط به ویژگی‌های ظاهری و شخصیتی حضرت اشاره نموده و از پرداختن به مسائل مهم و اساسی باز مانده‌اند.

اساس این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تاریخی می‌باشد. از آنجایی که

اسلام پژوهی سهم بسزایی از مطالعات خاورشناسان را به خود اختصاص داده است این نوشتار با این فرضیه که مبانی فکری و هم‌چنین میزان دسترسی مستشرقان به منابع معتبر اسلامی و شیعی بر تحقیقات و پژوهش‌های آنها تأثیر گذاشته است در پی پاسخ به این پرسش بر خواهد آمد که شرق-شناسان فرانسوی چه تصویری از شخصیت و اندیشه‌های حضرت علی (ع) را به خوانندگان خود ارائه کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

شایان ذکر است که بررسی و مطالعه راجع به حضرت علی (ع) از دیرباز تاکنون مورد توجه قرار گرفته و این جستار نیز مسلماً ادامه و دنباله مطالعات پژوهندگان این عرصه است.

مهدی مهریزی و هادی ربانی (۱۳۸۰) در کتاب امام علی (ع) از نگاه دانشوران که به معرفی و شناخت حضرت علی از منظر دانشوران اهل سنت و خاورشناسان اختصاص یافته است، پرداخته‌اند. این اثر مشتمل بر مقالاتی از علما، دانشمندان، اندیشمندان اهل سنت و هم‌چنین شرق‌شناسان شهیر جهان درباره علی (ع) است. این نوشتارها عمدتاً در پنج طبقه دسته‌بندی شده‌اند که شامل: زندگی‌نامه امام علی (ع)، صفات و فضائل اخلاقی، حکومت و حکمرانی علی (ع)، آثار امام علی (ع) شامل نهج البلاغه، غررالحکم و... و داوری‌ها و اعترافات دانشوران و خاورشناسان راجع به امام علی (ع) می‌باشد. در این کتاب، مقالات به ترتیب الفبای نام نویسندگان مرتب گردیده است. مقاله «شخصیت علی ابن ابی طالب» از گابریل انکیبری که به معرفی شخصیت علی (ع) می‌پردازد، در این کتاب آورده شده است.

بررسی شخصیت امام علی (ع) از دیدگاه مستشرقین (۱۳۸۱) عنوان پایان‌نامه‌ای است که توسط نورعلی احمدی فالحی با راهنمایی سید احمد رضا خضری در دو فصل و چهار بخش به رشته تحریر در آمده است. احمدی فالحی در این پژوهش به بررسی و نقد آثار مستشرقان انگلیسی زبان پرداخته است اما رویکرد انتقادی آن ضعیف می‌باشد. مؤلف در نقدها بیشتر به ارائه گفته‌های متناقض مستشرقان در برابر یکدیگر اکتفا کرده و از نقد مستند و مستدل فاصله گرفته است.

«حیات علمی امام علی (ع) از منظر اندیشمندان غیر مسلمان و مستشرقان» (۱۳۹۰) توسط محمدرضا احمدی ندوشن در مجله تاریخ در آینه پژوهش به چاپ رسیده است. این مقاله با رویکردی اسنادی به بررسی حیات علمی حضرت علی در نزد شرق‌شناسان و اندیشمندان غیر مسلمان پرداخته است و نظریات تعدادی از مستشرقین را در مورد زندگی علمی امام علی به عنوان شاهد آورده است.

«جانیشینی پیامبر (ص) از دیدگاه شرق‌شناسان» (۱۳۹۱) عنوان مقاله‌ای است که سینا میرشاهی به چاپ رسانده است. میرشاهی در پژوهش خود از شیعه‌شناسی در آثار خاورشناسان سخن به میان آورده و بر این

باور است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مطالعات شیعه‌پژوهی در نزد مستشرقین بعد جدیدی به خود گرفته است. هم‌چنین در مقاله مذکور، به بررسی مسأله جانشینی پیامبر از دید تنی چند از مستشرقین چون هنری لامنس، دبلیو مونتگمری وات و رایسکه پرداخته و به دنبال بررسی ریشه تشیع در این دوران است.

سعادت غضنفری و شهاب‌الدین وحیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «جانشینی امام علی^(ع) و رخداد غدیر: بررسی و نقد دیدگاه رابرت گلیو» پرداخته‌اند که در فصلنامه شیعه‌پژوهی به چاپ رسیده است. رابرت گلیو از خاورشناسان انگلیسی زبان دارای تألیفات زیادی می‌باشد و کوشیده است که در آثار خویش از منابع شیعی بهره گیرد. نگارندگان مقاله موصوف معتقدند که رابرت گلیو به رغم بررسی‌های محققانه و گسترده، تحلیلی ناظر به تمام ابعاد موضوع ندارد و در پاره‌ای از موارد دچار اشتباهات فاحشی گردیده است. بنابراین، در موضوع مورد پژوهش به صورت منسجم و جدی تاکنون به آثار و نوشته‌های خاورشناسان و اسلام‌شناسان فرانسوی توجه نگردیده و لزوم پژوهشی عمیق در این موضوع احساس می‌شود. هم‌چنین جدا نمودن اشتباهات و خطاهای مستشرقین فرانسوی از دیگر مطالب و آثار آن‌ها، ثابت می‌کند که ایشان در عرصه شناخت شخصیت و اندیشه‌های آن حضرت دچار اشتباه شده و نایستی با رویکردی کاملاً خوش‌بینانه تسلیم‌پندارها و گفتارهای آنان شد. ما در این مقاله به شخصیت و اندیشه‌های علی^(ع) از منظر خاورشناسان فرانسوی خواهیم پرداخت.

شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی

شرق‌شناسی به معنای پژوهش و شناخت دانش‌ها و آداب و رسوم مردم مشرق زمین و نیز شیوه‌ای غربی برای مهار و سلطه بر شرق، اساساً پدیده و جریانی است که می‌تواند ریشه در نوعی سیاست‌گذاری هدفمندانه غربی‌ها و تلاش برای تمایز خود از دیگری باشد. البته آشنایی و تماس غرب با شرق و تلاش برای شناخت شرق امری جدید و امروزی نیست. از دیدگاه ادوارد سعید گفتمان شرق‌شناسی دانشی در راستای قدرت استعماری غرب بوده است که معمولاً در تولیدات علمی حوزه‌های علوم انسانی از قبیل تاریخ، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی بازتاب یافته است. در این تولیدات و نوشته‌ها، شرق به مثابه دیگری غرب‌بازنمایی و نمایش داده شده و این رویکرد در تمامی نوشته‌های متفکران غربی بازتاب یافته و به قول سعید نوشته‌های پانیکار، رنان، فلوربر، لارنس، لوئیس و دیگر نویسندگان غربی باعث بوجود آوردن نظمی آکادمیک شده که فرهنگ غرب از طریق آن شرق را تولید کرده است (سعید، ۱۳۷۱: ۴۵-۲۵). در تعبیر دیگری استشراف چنین بیان شده و عبارت است از مجموعه تلاش‌های علمی غربیان برای شناسایی و

شناساندن کشورها و شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان، ادبیات، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها، ویژگی‌های روان-شناختی، حساسیت‌های روحی، ابعاد خطرناک و نقاط آسیب پذیر مردم کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه و حتی سرزمین‌های اسلامی در آفریقای شمالی و دیگر نقاط جهان در جهت کشف ثروت‌های مادی و معنوی آنان برای تأمین منافع غربیان (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۳).

قرن نوزدهم قری است که شرق‌شناسی به شکل رسمی و آکادمیک در اروپا رسمیت می‌یابد. در این قرن نگاه اندیشمندان مسلمان نسبت به غرب نگاهی دو گانه است که از یک سو همراه با بیزاری و نفرت از امپریالیسم سلطه‌طلبانه اروپا نسبت به کشورهای آسیایی و آفریقایی است و از سوی دیگر خواهان آزادی و پیشرفتی است که غرب نوید آن را داده است. عده‌ای از متفکرین مسلمان کار شرق‌شناسان در مورد فهم جهان و اندیشه شرق و شرقیان را ستوده‌اند و این کار را عاملی برای خود آگاهی و هم‌چنین شناساندن فرهنگ مشرق زمین برای غربی‌ها دانسته و آن را مورد تشویق قرار داده و سعی نموده‌اند تا آثار شرق‌شناسان را به عنوان الگو و راهنمایی برای نوشتن و تفکر در آثارشان مورد استفاده قرار دهند. دسته دوم غالباً با دیدگاه ستیزه‌جویانه با شرق‌شناسی مواجه شده و کوشیده‌اند تا استعمارگری و سیاست‌های امپریالیستی موجد این آثار را کشف و شناسایی کنند چرا که قرن نوزدهم دورانی است که توسعه اروپا بعد جدیدی در رابطه بین غرب و شرق باز می‌کند. نتیجه این پروژه امپریالیستی بنیان گذاشتن حوضه مستقلی از مطالعات با نام مطالعات شرق و اسلام بود. نوعی دیگر از استشراق و خاورشناسی همان اسلام‌پژوهی و مطالعات قرآنی می‌باشد که در سالیان اخیر نیز مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. اسلام‌شناسی بخشی از دانش عام شرق‌شناسی است. اسلام‌شناسی و تحقیق در مورد تاریخ اسلام در نزد شرق‌شناسان عمری طولانی دارد و آثار زیادی در این زمینه به زبان‌های زنده دنیا توسط مستشرقین نگارش و انتشار یافته است. در بین آثار منتشر شده گاهی تمجید و ستایش و بیان حقایق در راستای موضوعی که به آن پرداخته شده به چشم می‌خورد و گاهی هم در پس آن اهداف استعماری نهفته بوده و برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین و تخریب چهره انبیا و اولیای الهی بوده است. در مقاله حاضر، استشراقی که مد نظر است و همواره در معرض نقد عالمان و دانشمندان اسلامی می‌باشد، استشراقی است که به حوزه‌ای خاص می‌پردازد و عبارت است از اسلام‌شناسی توسط غیر مسلمانان (زمانی، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۸).

مطالعات شیعه‌پژوهی در فرانسه

حضور اسلام در فرانسه دارای سابقه طولانی می‌باشد و فرانسه از اولین کشورهای اروپایی بود که به زیر

پرچم اسلام درآمد. سرآغاز تابش اسلام در اندلس و اروپا در سال‌های ۷۱۴-۷۱۱ میلادی بود که هشت قرن نیز ادامه یافت. اسلام در قرن ۸ میلادی پس از تسخیر کامل جزیره العرب، به فرانسه رسید. مسلمانان پس از مشاهده‌ی سرزمین فرانسه آن را ارض الکبیره نامیدند. والی اندلس در اوایل سال ۷۳۱ میلادی حرکت به سوی سرزمین‌های جنوب فرانسه را آغاز کرد. در سال ۷۳۱ میلادی پس از حصول آرامشی نسبی در اندلس و اطمینان خاطر مسلمانان از اوضاع اسپانیا، لشکر مسلمانان به سوی فرانسه رفت و شهر تولوز را به محاصره درآوردند. در سال ۷۳۳ میلادی نبرد میان سپاه اسلام و سپاه فرانسویان به رهبری شارل مارتل درگرفت. پیش‌قراولان لشکر اسلام در تشخیص وضع و فاصله دشمن و در تخمین زدن تعداد آنان اشتباه کردند و بعد از هشت روز جنگ فرانسویان از پشت به خیمه‌گاه و محل غنایم مسلمین حمله بردند که در این حمله عده زیادی از طرفین کشته شدند. مسلمانان به علت کثرت کشته‌شدگان این نقطه را بلاط الشهداء نامیدند و نویسندگان اروپایی آن را نبرد پواتیه خواندند. این نبرد آخرین حد پیشروی سپاهیان اسلام را در مغرب زمین مشخص کرد و مورخان اروپایی برای این جنگ اهمیت بسیار قائل شده و تقریباً همگی، شکست مسلمانان را در آن موجب رهایی اروپا و مسیحیت از سلطه اسلام و عرب دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۸/۵۳۲). در سال‌های اخیر با تحقیقات لوئی ماسینیون و پیش از او هانری کربن به تدریج توجه غربیان به عالم دینی و فکری تشیع معطوف گردید. یک مجمع علمی برای اولین بار در دانشگاه استراسبورگ با همکاری مؤسسه تحقیقات اسلامی دانشگاه سوربون و مرکز تحقیقات اسلامی دانشگاه استراسبورگ تشکیل شد که در آن معروف‌ترین اسلام‌شناسان فرانسه و چند تن از دانشمندان کشورهای دیگر شرکت داشتند. برخی سخنرانان و مباحث سخنرانی آنان عبارتند از: ژرار لوکنت: جوانب کتب احادیث شیعه، کلود کاهن: شیعه در آناتولی قبل از عثمانیان، هانری کربن: امام‌شناسی و فلسفه، ژان اوبن: سیاست دینی صفویه، هانری ماسه: مرثیه‌های امامان شیعه. در همه‌ی موارد اطلاع کافی در دست محققان نبود. بیشتر به این جهت که دسترسی به منابع اولیه معارف شیعی نداشتند و این موضوع به خاطر فقدان آثار شیعی در کتابخانه‌های علمی و دانشگاهی اروپاست (نصر، ۱۳۸۶: ۶۷-۷۹). در مقطعی از زمان نیز مهم‌ترین منابع غربیان برای شناخت شیعه و تشیع، سفرنامه‌هایی بود که نویسندگان آن به ملل اسلامی و شرقی سفر کرده و مطالبی درباره شیعیان، اعتقادات، آداب و رسوم آنان به رشته تحریر درآورده بودند. البته سفرنامه‌ها اطلاعات جامعی را ارائه نمی‌دهند و در واقع گزارش‌هایی پراکنده در زمینه اعتقادات دینی محسوب می‌شوند. یکی از نقاط قوت این آثار استناد به مشاهدات عینی و گزارش‌گری محض و از ضعف‌های آن می‌توان به تعمیم قضایا، استناد به برخی منابع نامعتبر، اکتفا کردن به برخی منابع سطحی و رجوع نکردن به منابع اصلی در زمینه تحقیق خود، تکرار اشتباهات دیگران، یک سوپه‌نگری و اندک بودن

اطلاعات عمومی و تاریخی نویسندگان اشاره کرد.

شخصیت و اندیشه‌های حضرت علی (ع) از منظر مستشرقین فرانسوی دیولافوا مستشرق فرانسوی، در اثر خود با عنوان سفرنامه دیولافوا راجع به علی (ع) سخن گفته و چنان ستایشی از امام علی (ع) دارد که از یک فرد مسیحی و خاورشناس غربی جای بسی تأمل دارد. این کتاب دربردارنده مشاهدات، شنیده‌ها، مطالعات و یادداشت‌های دیولافوا همسر مارسل دیولافوا مهندس و باستان‌شناس فرانسوی می‌باشد. این اثر یکی از منابع ایران‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود و حاوی اطلاعات فراوانی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، نحوه اداره کشور توسط زمامداران و پادشاهان وقت، آداب معاشرت و عادات و رسوم مردم، خوراک، پوشاک و... می‌باشد. از خلال این سفرنامه می‌توان به تصویری روشن از ایران و آداب و رسوم آن روزگاران دست یافت. دیولافوا در پایان اثر خود از حضرت علی (ع) نام برده و شمه‌ای از فضایل و کرامات آن بزرگوار را بیان و هم‌چنین به حادثه کربلا و مصیبت‌هایی که برای فرزندان علی (ع) رخ داد نیز اشاره کرده است. دیولافوا با اشاره به حقانیت علی (ع) در به خلافت رسیدن بی‌واسطه بعد از پیامبر خاطر نشان می‌کند که علی (ع) دوران خلافت خلفای سه‌گانه را با صبر و حوصله پشت سر گذاشت تا خود به خلافت برسد و چون خودش به خلافت رسید فرصتی برای اقداماتش نداشت و شاید در فکر هم نبود که این مقام را برای اولاد خود به طور اطمینان بخش باقی گذارد. به اعتقاد دیولافوا، یکی از مشکلات امام علی (ع) در دوران خلافتش کینه بازماندگان خلفای سابق بود که بنا به این کینه‌جویی، مشکلات بسیاری را برای آل پیامبر ایجاد کردند و مهم‌ترین آن، شهادت امام حسین (ع) در دشت کربلا بوده و از این واقعه به بعد، شیعیان با اهل تسنن به کلی قطع رابطه کرده و جدایی کاملی بین این دو فرقه بوجود آمد (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۶۸۳).

به زعم دیولافوا: «احترام علی (ع) در نزد شیعیان به منتهی درجه است و حقاً هم که باید این طور باشد زیرا این مرد بزرگ علاوه بر جنگ‌ها و فداکاری‌ها که برای پیشرفت اسلام کرد در دانش و فضایل و عدالت و صفات نیک بی‌نظیر بود و نسلی پاک و مقدس از خود بجا گذاشت. کسی بود که اعراب او را شریک خدا می‌پنداشتند و همه را شکست داد و وحدت و دوستی را تبلیغ کرد. در قضاوت به منتهی درجه عدالت رفتار می‌کرد و در اجرای قوانین اسلامی محکم و ثابت قدم بود و تمام اعمالش نسبت به مسلمانان منصفانه و نوید تهدیدش قطعی بود.» (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۵۸۰).

هانری رنه دالمانی دیگر شرق‌شناس فرانسوی است که در سال ۱۸۹۸-۱۸۹۹ به ایران سفر کرده است، در سفرنامه خود می‌نویسد: «مذهب اسلام دارای دو شعبه بزرگ است که پیروان شعبه اول را شیعه و پیروان

شعبه دوم را سنی می‌گویند و این دو با هم سازشی ندارند. شیعه، محمد^(ص) را رسول‌الله و علی^(ع) را ولی‌الله می‌داند. تفرقه شیعه و سنی از همین جا شروع می‌شود زیرا که شیعه علی^(ع) را نخستین جانشین و اولین خلیفه پیامبر می‌شناسد، در صورتی که سنی‌ها او را چهارمین خلیفه می‌دانند. شیعه به شش پیامبر بزرگ (آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد) معتقد است و عقیده دارد که یک فرد مسلمان باید به انجام اعمال نیک و ادای نماز و عبادت خدا بپردازد تا پس از مرگ گناهان او بخشیده شود.^(۴) (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۶۷). رنه دالمانی در اثر خود بیشتر به آنچه دیده یا شنیده اکتفا می‌کند و به صورت علمی و دقیق به بررسی عقیده شیعه پرداخته است و تفرقه بین شیعیان و اهل تسنن را بر سر مسأله خلافت و جانشینی بعد از پیامبر می‌داند، و در کتاب خود به برخی از عقاید شیعه به صورت گذرا اشاره کرده است.

کارا دو ووی یکی دیگر از مستشرقین و اسلام‌پژوهان فرانسوی است که درباره قهرمانی‌های علی^(ع) در جنگ مسلمین و قریش با شگفتی فراوان صحبت کرده و علی^(ع) را قهرمانی برجسته می‌داند که در کنار پیامبر می‌جنگید و پیروزی‌های معجزه‌آسا بدست می‌آورد. کارا دو ووی هرگاه در مورد علی^(ع) صحبت می‌کند قلم محققانه‌اش حالت شاعرانه به خود گرفته و همراه تحقیق، حماسه از آن تراوش می‌کند. کارا دو ووی به وصف شجاعت و جوانمردی‌های علی^(ع) پرداخته و حضرت را به عنوان نادره روزگار و مردی فوق‌العاده معرفی می‌کند و شهادت او را غیر قابل وصف می‌شمارد. این مستشرق فرانسوی پیرامون علاقه و محبت شیعه به امام علی^(ع) و عظمت و کمال شخصیت وی و محبتی که اروپاییان به ایشان دارند بحث کرده و می‌گوید که علی^(ع) قهرمان دردمند و دل‌افسوده و یکه سوار صوفی و امام شهیدی است که صاحب روحی ژرف و رمز عذاب الهی در اعماق آن نهفته بوده است (جرداق، ۱۳۵۱: ۲۴۳-۲۴۵). کارا دو ووی از علی^(ع) با صفات جوانمردی بی‌نظیر، سربازی دلیر که در عین شجاعت رقیق‌القلب بوده و در عین سرباز بودن زاهد است، امام شهید و صاحب روحی عمیق که سر عذاب الهی در آن پنهان است یاد می‌کند. به اعتقاد او، علی^(ع) مولود حوادث نبود بلکه حوادث را او بوجود آورده بود. کارا دو ووی هم‌چنین علی^(ع) را فردی شجاع و قهرمان بی‌همتایی می‌داند که پهلوی به پهلوی پیامبر می‌جنگید و روحی بسیار عمیق داشت که ریشه آن ناپیدا و خوف الهی آن را فراگرفته بود (سراج، ۱۳۷۶: ۲۳۳). کارا دو ووی با دسترسی به منابع معتبر و تحقیق و بررسی در تاریخ اسلام درباره حق جانشینی علی^(ع) بعد از وفات پیامبر^(ص) بر این عقیده است که حق با شیعیان است و پیامبر روزی ضمن اشاره به علی^(ع) گفت: «هر که من ولی و سرور اویم، علی^(ع) مولی و سرور اوست.» (جرداق، ۱۳۵۱: ۲۴۳). گابریل انگیری در کتاب شهسوار اسلام به ستایش و ویژگی‌های امام علی^(ع) پرداخته و آن حضرت را از اولیای بزرگ اسلامی و یکی از مشهورترین قهرمانان حماسه‌ای می‌داند. به عقیده انگیری، امام علی^(ع) یکی از دانشمندان و حقوق‌دانان و خطبایی است که بیش از همه مورد تجلیل دنیای اسلام است و اعلام نموده

که علی (ع) اولین مؤمن و مسلمان بوده و در همه زمینه‌های مذهبی و نظامی دستیار باوفا و صمیمی پیامبر اسلام (ص) محسوب می‌شده است. انکیبری خاطر نشان می‌کند که امام اول شیعیان دشوارترین مأموریت‌ها را می‌پذیرفت تا بیش از پیش صداقت و دلبستگی خود را نسبت به رهبر و مقتدایش ابراز نماید. انکیبری امام علی (ع) را حَقاً هارون موسی جدید دانسته و حضرت را در صف مؤسسين و واضعين مکتب‌ها قرار داده و می‌گوید مکاتبی که علی (ع) تأسیس کرده از لحاظ صراحت و روشنی و استحکام و برهان و تمایل به ترقی و تجدد امتیاز دارد (انکیبری، ۱۳۵۴: ۲۷۹). انکیبری امام علی (ع) را بازوی راست پیامبر اسلام (ص)، منشی و محرم رازش معرفی می‌کند و امام را جنگاوری رشید و دلاوری می‌داند که به هر جنگی که اقدام می‌کرد فتحی بر فتوحات خود می‌افزود به همین دلیل مورخین و شعرای عرب او را «سیف‌الاسلام» لقب داده‌اند (انکیبری، ۱۳۵۴: ۳۶). انکیبری شخصیت امام علی (ع) را دارای دو خاصیت برجسته می‌داند که در دیگر قهرمانان بزرگ تاریخ نیست و آن اینکه امام علی (ع) در عین داشتن عنوان قهرمان، امام بوده و سرداری شکست‌ناپذیر و خطیبی فصیح نیز محسوب می‌شود. او علی (ع) را از طرف تمام مسلمین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مفاخر جهان اسلام مورد ستایش قرار می‌دهد و بدون آنکه خود خواسته باشد تمام فرق و مذاهبی که در ملل اسلامی است او را پیشوای خود می‌شناسند. از دیدگاه انکیبری، علی (ع) از بزرگترین برگزیدگان خدا، از همکاران اصلی پیامبر (ص) و از غیورترین مدافعان اسلام محسوب می‌شود (مهريزي و رباني، ۱۳۸۰: ۳۶۶-۳۶۷/۳). در زمینه علمی نیز انکیبری علی (ع) را از سرآمدترین دانشمندان زمانه خود می‌داند و در گوشه‌ای از اثرش به علم آن حضرت در زمینه قضاوت اشاره می‌کند و چنین بیان می‌دارد: «در زمینه قضایی علی (ع) عهد جدیدی افتتاح نمود. در عهد خلفای سه گانه او در تمام مسائل بغرنج و پیچیده مورد استشاره و استفتاء قرار می‌گرفت. هر مسئله پیچیده‌ای که روی می‌نمود افکار عمومی با این عبارت که به صورت ضرب‌المثل در آمده بود حل آن را از تدبیر علی (ع) می‌خواست، چاره این مشکل را فقط از ابوالحسن باید خواست. هنگامی که علی (ع) به خلافت رسید با وجود تمام گرفتاری‌های نظامی و سیاسی همچنان تصدی عالیه امور دادگستری را برای خود حفظ نمود. به تصفیه دادگاه‌ها اقدام ورزیده و حقوق قضاوت را تثبیت نمود و نخستین محکمه شرع را بنیان نهاد.» (انکیبری، ۱۳۵۴: ۲۵۱-۲۵۳).

انکیبری در کتاب شهسوار اسلام حَقاً و انصافاً زبان به تمجید، تحسین و ستایش علی (ع) گشوده است اما با توجه به شناخت انکیبری نسبت به تاریخ اسلام، در مورد دیگر ابعاد و زوایای زندگی و شخصیتی علی (ع) و هم‌چنین انتخاب آن حضرت به عنوان جانشین پیامبر که برخی از مستشرقین به آن اذعان دارند، اشارات عمیقی به چشم نمی‌خورد و در پاره‌ای از موارد، انکیبری در تحلیل مسائل و وقایع دچار خطا و اشتباه شده است و نتوانسته اطلاعات دقیقی را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد.

هم‌چنین کلود-اتین ساواری شرق‌شناس و اسلام‌شناس برجسته فرانسوی و یکی از مترجمان قرآن کریم به زبان فرانسه، تحقیقات فراوانی را در زمینه تاریخ اسلام انجام داده است. ساواری اظهار می‌کند که محمد^(ص) چون می‌دانست علی^(ع) دارای قلبی پاک و فکری روشن است او را در تمام کارهای خویش شرکت می‌داد و علی^(ع) نیز نسبت به ولی نعمت خویش ارادت و محبتی خالص داشت. وقتی پیام آسمانی محمد را شنید بدون هیچ حرفی آن را پذیرفت و قسم یاد کرد که در راه ایمان به خدا جان خود را فدا کند (ساواری، ۱۳۴۹: ۲۸-۲۹). ساواری هم‌چنین معتقد است که علی^(ع) بهترین سردار تعلیم یافته پیامبر در نبرد بدر بود و چنان شهامتی از خود نشان داد که او را شیر خدا یا ستاره شرق لقب دادند (ساواری، ۱۳۴۹: ۹۷).

ساواری به توضیح مهمانی پیامبر برای خویشان خود می‌پردازد و به آمادگی امام علی برای یاری رساندن به پیامبر اشاره می‌کند. ساواری به دعوت حضرت رسول^(ص) از خویشاوندان خود برای بیان مسأله خلافت و جانشینی حضرت علی^(ع) اشاره دارد ولی به طور دقیق و منسجم به آن نپرداخته و می‌افزاید که حضرت علی^(ع) در این جلسه آمادگی خود را برای کمک به پیامبر ابراز کرد و اشاره‌ای به آنچه که حضرت رسول و آیه‌ای که در آنجا بیان کردند ندارد اما راجع به شخصیت و ویژگی‌های علی ابن ابی طالب بسیار زیبا سخن رانده و علی^(ع) را بارزترین سردار تعلیم یافته مکتب پیامبر می‌داند (ساواری، ۱۳۴۹: ۳۳).

عده‌ای از مستشرقین بر این باورند که پیامبر در روز غدیر جانشین خود را تعیین کرده و برخی دیگر نیز به کلی این مسأله را رد کرده و معتقدند که پیامبر اسلام بعد از خود جانشینی تعیین نکرد و پس از وفات ایشان بین یاران آن حضرت درگیری برای جانشینی و خلافت بوجود آمد و عده‌ای از مسلمانان و اصحاب، ابوبکر را به عنوان جانشین پیامبر انتخاب کردند. ساواری تعیین علی^(ع) به جانشینی پیامبر در روز غدیر خم را تأیید می‌کند و در مورد اینکه چرا حضرت علی^(ع) بلافاصله بعد از پیامبر به خلافت نرسید و آن حضرت مجبور به خانه نشینی شد و سرانجام مردم پس از سال‌ها به آن حضرت رجوع کردند، علت ناکامی علی^(ع) را برای در دست گرفتن خلافت بعد از پیامبر، مخالفت‌های عایشه همسر محمد^(ص) و به بهانه جوان بودن و تجربه نداشتن امام علی^(ع) می‌داند (ساواری، ۱۳۴۹: ۲۵۹-۲۶۰).

دیگر مستشرق فرانسوی، آلفونس اتین دینه که بعد از گرویدن به اسلام نام خود را به نصرالدین دینه تغییر داد، علاوه بر پژوهش در نحله شرق‌شناسی، در شناخت هنر و نقاشی شرقی نیز تبحر خاصی داشت. اتین دینه حضرت علی^(ع) را در اثر اخلاص بی‌پایان و شجاعت بی‌مانند و عشقی که به تقوا داشت، یکی از شخصیت‌های برجسته اسلام می‌داند که روزی خود را با آبیاری درختان خرما تأمین می‌کرد و روز خود را با خواندن نماز، شب می‌کرد. به زعم اتین دینه، علی^(ع) با آن اعمال پسندیده‌ای که داشت سزاوار چنین وصفی نبود بلکه سزاوار بود که ایشان در نظر مردم یک مقام عالی بدست آورده باشند و مردم به چشم بزرگی به

او نگاه کنند (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۷۰: ۳۶۸). اتین دینه حضرت علی (ع) را فردی شجاع و با تقوا معرفی می کند اما به دلیل اطلاعات اندکی که در اختیار داشته نتوانسته راجع به مسأله جانشینی و خلافت امام علی (ع) و هم چنین دوران زمامداری آن حضرت اظهار نظر نماید. دینه بر این عقیده است که مردم نتوانستند حق امام خویش را به خوبی ادا نمایند ولی آن حضرت با وجود تمام مشکلاتی که بر سر راهشان قرار داشت سعی می کرد همواره دین خود را به مردم ادا نموده و فقیران و تهیدستان را فراموش نکند.

از جمله شرق شناسان برجسته معاصر یان ریشار است. خاورشناس و ایران شناس معاصر فرانسوی در سال ۱۹۴۸ میلادی در شهر جونی فرانس به دنیا آمده و در مورد مکتب تشیع و هم چنین ادبیات فارسی تحقیقات گسترده ای انجام داده است. دو اثر معروفش اسلام شیعی در سال ۱۹۹۵ و ایران: تولد جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسیده است. ریشار نیز مثل اکثر شرق شناسان فرانسوی معتقد است که پیامبر اسلام جانشینی برای خود تعیین نکرد و مسلمانان بعد از فوت پیامبر به خلافت ابوبکر به عنوان یار نزدیک آن حضرت گردن نهادند، ولی شیعیان از همان ابتدا به مخالفت با خلفای راشدین پرداختند و معتقد بودند که حق امام علی (ع) غصب شده است (ریشار، ۱۹۹۵: ۱۶). بدلیل عدم دست داشتن اطلاعات کافی و هم چنین دسترسی به منابع نامعتبر، مستشرق فرانسوی نتوانسته است در مورد خلافت علی (ع) بعد از پیامبر اسلام به درستی اظهار نظر و نظر خویش را به طور قطعی به خوانندگان خود عرضه نماید اما در پاره ای از مواقع به طور ضمنی و گاهی هم مستتر اشاره می کند که حق خلافت و ولایت علی (ع) بعد از پیامبر اسلام غصب شد و آن حضرت به دلیل تنهایی و اندک بودن یاران باوفایش نتوانست حق خود را باز پس گیرد. به زعم ریشار، بعد از اینکه حضرت خلافت را پذیرفت، آن دوران از بهترین روزگاران اسلام بوده است. ریشار در زمینه دوران حکومت علی (ع) بنا را بر عقاید شیعه می گذارد و اعلام می دارد که دوران پنج ساله حکومت علوی، دوران طلایی اسلام بوده و علیرغم شورش های متعددی که حضرت علی (ع) با آن روبرو شد، عدالت را در دوره خود برپا داشت و تبدیل به الگویی برای مبارزان اسلامی گردید (ریشار، ۱۹۹۵: ۱۸). به زعم ریشار، در مذهب شیعه امام علی (ع) نمونه عالی یک متفکر روشنفکر و فرمانروای عالی است و نقشی معادل وزیر را برای حضرت محمد (ص) داشت. به اعتقاد ریشار، شهادت علی (ع) او را به شهیدی در راه عدالت تبدیل نمود علیرغم اینکه آن حضرت قادر بود تا علیه خلفایی که قبول ندارد شورش کند ولی به خاطر مصالح جامعه و حفظ صلح و وحدت در میان مسلمین از این کار خودداری کرد (ریشار، ۱۹۹۵: ۲۰).

ژیل کپل شرق شناس و اسلام شناس معاصر فرانسوی در سال ۱۹۵۵ در پاریس زاده شده، تاکنون مطالعات بسیاری راجع به اسلام و انقلاب اسلامی ایران انجام داده است. کپل در بازخوانی تاریخ اسلام، خوارج را از اعضای کهن ترین فرقه مذهبی اسلام می داند که در اصل طرفدار علی (ع) بودند ولی در جریان حکمیت از

حضرت جدا شدند و سپاه علی^(ع) را رها کردند (کپل، ۱۳۶۶: ۶۰). برخی از مستشرقین فرانسوی در بررسی‌های خود بر این عقیده هستند که کارشکنی‌های خوارج و مخالفان داخلی حضرت علی^(ع) باعث گردید امام نتوانند به طور کامل به اصلاح امور بپردازند.

امیل درمینگام فرانسوی معتقد است یکی از موانعی که در برابر امام^(ع) قد علم کرد گروه خوارج بودند و دورانی از زمامداری آن حضرت صرف مبارزه با این گروه شد. بنابراین حضرت نتوانستند در مدت چند سال و چند ماهی که خلافت را در اختیار داشتند اصلاحات مورد نظر خود را تمام و کمال انجام دهند؛ چرا که مدام با کارشکنی‌های این گروه مواجه می‌شدند و می‌بایست که فتنه آنان از جامعه و حکومت دفع شود (درمینگام، ۲۰۰۳: ۵۴). به زعم درمینگام، اگر روابط خونی اهمیت داشته باشد موقعیت علی^(ع) و فاطمه^(س) و فرزندان آنان برای جانشینی پیامبر^(ص) بسیار قوی بوده و شیعه نیز مشروعیت خود را از وراثت معنوی و اخلاقی پیامبر اخذ کرده که به واسطه امام علی^(ع) به آنان می‌رسد. به بیان دیگر، درمینگام اظهار می‌کند که این موضوع غیر از عقیده شیعیان در این است که علی^(ع) خود دارای یک تأیید معنوی و روحی از جانب خداوند هم بوده است (درمینگام، ۲۰۰۳: ۴۵).

با این حال، در میان شرق‌شناسان شمار زیادی درباره اسلام، قرآن، پیامبر^(ص)، اصول اعتقادی شیعه و... اظهار نظر کرده‌اند که یک دسته جانب انصاف را رعایت کرده و دسته دیگر حقایق را انکار کرده‌اند. آثار هر کدام از شرق‌شناسان گوشه‌هایی از تاریخ اسلام و تشیع را در برمی‌گیرد. برخی به شرح تاریخ صدر اسلام پرداخته و از ویژگی‌های شخصیتی امام علی^(ع) سخن گفته‌اند، بعضی دیگر نیز به ذکر دیدگاه‌های خویش درباره جانشینی امام علی^(ع) بعد از رحلت پیامبر^(ص) پرداخته‌اند. بلاشدر عدم اطلاعات دقیق مستشرقان و اسلام‌شناسان را معلول دو عامل می‌داند:

الف) فراوانی منابع اهل سنت در کتابخانه‌های شرق‌شناسان و کمبود کتب و تألیفات عالمان شیعه نزد آنان.
ب) خطرزایی بیشتر مذاهب شیعه در برابر سلطه غرب و دولت‌های غربی (بلاشدر، ۱۳۷۶: ۲۰۹).

هم‌چنین علل دیگری که بر مطالعات شرق‌شناسان فرانسوی تأثیر گذاشته است را می‌توان چنین برشمرد:
۱- اشتغال زیاد شرق‌شناسان به سایر جنبه‌های شرق‌شناسی: خاورشناسان عموماً به موضوعاتی نظیر زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ و کشمکش‌های نظامی و مذهبی ملل شرقی و مسلمان پرداخته، لذا از مسائل اساسی مربوط به تاریخ و فرهنگ تشیع غافل مانده‌اند.

۲- ارتباط اندک شرق‌شناسان با مراکز شیعه و حوزه‌های شیعی: محققان بسیاری برای شناخت شیعه به گفته‌ها و نوشته‌های دیگر شرق‌شناسان یا اسلام‌شناسان اعتماد کرده و از روش تحقیق علمی و میدانی در آگاهی از اعتقادات تشیع و اصول آن بی‌بهره مانده‌اند. در اواخر قرن بیستم میلادی محققان برای تکمیل

اطلاعات خود از کتابخانه‌ها خارج شده و در پی مشاهدات میدانی و برای استفاده و شناخت هر چه بهتر میراث کشورهای اسلامی و مطالعه متون شیعی راهی این کشورها شدند تا از نزدیک با تشیع و تاریخ اسلام آشنا شوند.

۳- کمبود آثار علمی شیعه به زبان‌های مختلف: به دلیل نگرش تاریخ اسلام از منظر اهل سنت و بی‌توجهی به تمایزات شیعه و سنی در این‌گونه آثار، تعداد آثار علمی شیعی از صدر اسلام و یا قرن‌های بعدی اندک است و این موضوع منجر به این مسأله گشته که شرق‌شناسان برای مطالعه عقاید و تاریخ شیعه به آثار دیگر فرق اسلامی مراجعه کنند. بعلاوه تمرکز بر نقاط ضعف و اختلاف‌آمیز در مفاهیم، تأثیر تعصبات دینی بر مستشرقان و اسلام‌پژوهان، سیاست‌زدگی، اتکا بر دیده‌ها و گزارش‌های مردمی و خلط بحث قوانین اسلامی و عملکرد مردم، زمینی دانستن ریشه اسلام، تحلیل بر اساس پیش فرض‌های غیر واقعی و تفسیرهای ذهنی و شخصی از دیگر علل بی‌توجهی غربیان به اسلام و تشیع می‌باشد.

۴- نوع نگرش سیاسی غرب به شرق یکی از علل قصور در شناخت ماهیت تفکر شیعه بوده است، زیرا اهل تسنن اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند و طبعاً غربیان نیز بیشتر با آنان تماس داشته‌اند و شناخت احوال و عقاید آنان را بر شیعه مقدم شمرده‌اند. همچنین می‌بایست به نگرش غالباً غیر علمی دول استعماری به کشورهای اسلامی اشاره کرد چرا که نگرش اروپاییان در طول تاریخ بیش از هر جنبه دیگری از منظر سیاسی و استعماری بوده و این دولت‌ها کمتر از نگاه علمی به کشورهای اسلامی پرداخته‌اند.

نقاط ضعف آثار شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان فرانسوی در مورد تشیع و حضرت علی (ع) که در ذیل بدان اشاره خواهد شد، سبب گردیده که خاورشناسان فرانسوی نتوانند به اطلاعات جامع و درستی در مطالعات خود دست یابند. به زعم کرد علی اندیشمند سوری: «ما نمی‌خواهیم که هیچ نویسنده‌ای درباره دانشمندان اسلامی نظر یا انتقاد نکند یا از قضاوت آزادانه دست بردارد. همچنین از او انتظار نداریم که مانند پیروان دین اسلام به آن ایمان داشته باشد. با این وجود آنچه که انتظار می‌رود این است که قضاوتی منصفانه داشته باشد و از احساساتی که به بهانه پژوهشگری برانگیخته می‌شوند پرهیز کند.» (اسکوویتز، ۱۹۸۳: ۵۵).

الف) نگاه برون دینی و همراه با تعصب و غرض‌ورزی نسبت به مذهب تشیع.

ب) معتقد نبودن به عقایدی از شیعه همانند عقیده به امامت و ولایت.

ج) مقایسه عقاید شیعی با عقاید غیر اسلامی.

د) استناد به نقلیات و گزارش‌های مردمی برای شناخت مذهب تشیع و اصول آن.

ه) استناد به منابع نامعتبر اهل تسنن برای شناخت و فهم مسائل شیعی و اسلامی.

و) استناد به منابع شیعی نامعتبر و برخی از عقاید شیعی که مورد پذیرش اکثریت شیعیان نیست.

نتیجه‌گیری

اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی از گذشته تا به حال مورد توجه خاورشناسان و پژوهشگران غربی قرار گرفته و تاریخ اسلام و تشیع منشأ تحقق آثار و تألیفات بسیاری گردیده، هر چند که این پژوهش‌ها آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته و هنوز همه پیامدها و بازتاب‌های آن شناخته نشده است.

ما در این نوشتار به بررسی شخصیت و اندیشه‌های حضرت علی^(ع) از منظر شرق‌شناسان فرانسوی پرداختیم. همچنان که دیدیم، شرق‌شناسی دانشی است که به مطالعه و بررسی علوم شرقی و ملل مشرق زمین می‌پردازد و مطالعات اسلام‌شناسی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های این بررسی محسوب می‌شود. خاورشناسان در طول حیات اسلام پژوهش‌های بسیاری پیرامون شناخت و مکاتب منشعب از آن انجام داده‌اند. سیاست‌های جهان‌گشایی، حس نژاد پرستی و قوم‌گرایی بر تار و پود بسیاری از تحقیقات و تلاش‌های علمی شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی مستشرقان سایه افکنده و غبار بدبینی را بر آنها نشانده است. در پاره‌ای از مواقع شرق‌شناسی بخشی از راهبرد سیاسی قدرت‌های غربی و معبر گذر غرب برای پایمال کردن میراث فرهنگی، اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی شرقیان تلقی شده و ادعای دانش و بی‌طرفی غیر قابل پذیرش می‌باشد.

مستشرقان و اسلام‌شناسان فرانسوی که با رعایت انصاف و با روش علمی و متکی به منابع و اسناد معتبر درباره اسلام و مسلمانان، فرهنگ، آداب و رسوم مشرق زمین به پژوهش پرداخته‌اند، در پاره‌ای از مواقع به حقانیت اسلام پی برده و بدان ایمان آورده‌اند. نکته‌ای که نباید درباره برخی لغزش‌های این گروه از متفکران فرانسوی نسبت به تاریخ اسلام و تشیع فراموش شود اینکه اغلب آنان مسیحی‌اند و دید عموم مسیحیان با اعتقادی که مسلمانان به اسلام و ائمه شیعی دارند متفاوت است. بنابراین نباید انتظار داشت که قضاوت این دسته از مستشرقان و اسلام‌شناسان همچون قضاوت تاریخ و سیره‌نویسان مسلمان باشد.

برخی از مستشرقین فرانسوی که درباره شخصیت امام علی^(ع) اظهار نظر نموده، آثار متفاوتی را مورد مذاقه قرار داده‌اند. تعدادی از این افراد با استناد به منابع معتبر، مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند و برخی نیز بدون دسترسی به منابع اسلامی و با در اختیار داشتن منابع غیر موثق، در مورد شخصیت علی^(ع) و هم‌چنین دوران زمامداری و جانشینی آن حضرت بعد از پیامبر اسلام دیدگاه‌هایی ارائه نموده‌اند که قابل ملاحظه و نقد و بررسی است. گسترش روز افزون شاخه‌های شرق‌شناسی به خصوص اسلام و شیعه‌پژوهی در میان پیروان دیگر ادیان به ویژه مسیحیت و یهود، موجب شده که کتاب‌ها و مقالات متعددی از سوی خاورشناسان نگاشته و منتشر شود. اما واضح است که هیچ اثر انسانی خالی از خطا نیست و اسلام‌شناسان نیز از این امر مستثنی نیستند و در آثار خود گاه به نادرست قلم فرسایی نموده و توسط دیگر محققان مورد

نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است در این راه، همواره انگیزه‌های مستشرقین و اسلام‌پژوهان فرانسوی علمی نبوده و با تغییر اهداف و رویکردهای شرق‌شناسی، فصل تازه‌ای رقم خورده است چرا که برخی افراد با شعار کشف حقیقت اما در عمل به دنبال نشان دادن عناد طینت و خدشه دار نمودن اصول و تقدسات شیعی سر برآورده‌اند.

سخن آخر اینکه به نظر می‌رسد نوشتار حاضر در پرتو تحلیل‌هایی که در چارچوب موضوع و بر اساس مطالعات اسلام‌شناسی مستشرقین فرانسوی صورت داد، توانسته‌نمایی تا حد ممکن مبسوط از آنچه را که خاورشناسان فرانسوی در باب شخصیت و اندیشه‌های امام علی (ع) بیان کرده‌اند پیش روی مخاطبان قرار دهد و به پرسش مطرح شده در پیشگفتار پاسخ گوید. نکته مهم این است که در قرن بیستم و بیست و یکم با وجود پیشرفت علم در همه زمینه‌ها و با افزایش روحیه علم‌جویی و حقیقت‌یابی، پژوهش‌های بی‌شماری در عرصه‌های مختلف روز به روز به منصفه ظهور می‌رسد و هنوز هم رویکردهای منفی و دیدگاه‌های افراطی در میان برخی از آثار به چشم می‌خورد که نباید فریب ظاهری و قالب علمی آن آثار را خورد و از آن غافل ماند، چرا که درون‌مایه برخی از این نوشته‌ها تخریب و تحریف چهره و تاریخ اسلام می‌باشد که می‌توان در تحقیقات آتی بدان پرداخت و مورد بحث و بررسی قرار داد.

منابع

- انکیری، گابریل. (۱۳۵۴). شهسوار اسلام. ترجمه کاظم عبادی. تهران: سپهر.
- آل اسحاق خوئینی، علی. (۱۳۷۰). پاسخ نقضی به سلمان رشدی یا اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- بلاشر، رژی. (۱۳۷۶). در آستانه قرآن. ترجمه محمود رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جرداق، جرج. (۱۳۵۱). علی صدای عدالت انسانیت (علی و قومیت عربی). ترجمه احمد بهشتی. تصحیح رضا ستوده. تهران.
- دیولافوا. (۱۳۳۲). سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه و نگارش همایون فرهوشی. تهران: کتابفروشی خیام.
- رنه دالمائی، هانری. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه و نگارش همایون فرهوشی. تهران: انتشارات ابن سینا و امیرکبیر.
- زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۵). مفهوم‌شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشراق. قرآن‌پژوهی خاورشناسان، پاییز و زمستان، (شماره ۱): ۴۳-۲۷.
- زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۷). شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان (تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره

- فعالیت مستشرقان). قم: بوستان کتاب.
- ساواری، کلود-اتین. (۱۳۴۹). محمد^(ص) ستاره‌ای که در مکه درخشید. ترجمه عنایت‌الله شکیباپور. تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.
- سراج، محمدابراهیم. (۱۳۷۶). خورشید بی غروب امام علی^(ع). تهران: انتشارات نبوی.
- سعید، ادوارد. (۱۳۷۱). شرق شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کپل، ژیل. (۱۳۶۶). پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی در مصر). ترجمه حمید احمدی. تهران: انتشارات کیهان.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۷۷). دائرة المعارف بزرگ اسلامی. جلد هشتم. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مهریزی، مهدی، ربانی، هادی. (۱۳۸۰). امام علی^(ع) از نگاه دانشوران (دانشوران اهل سنت و خاورشناسان). جلد سوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرشاهی، سینا. (۱۳۹۱). جانشینی پیامبر^(ص) از دیدگاه شرق شناسان. پارسه، (شماره ۱۹-۱۸).
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۶). معرفت جاودان. ترجمه رضا ملیح. تهران: مهر نیوشا.
- Dermenghem, Émile. (۲۰۰۳). Mahomet et la tradition islamique. Paris: Seuil.
- Escovitz, Joseph. (۱۹۸۳). Orientalists and orientalism in the writings of Muhammad
- Kurd Ali. International Journal of Middle East Studies, February.
- Richard, Yann. (۱۹۹۵). L'islam chi'ite. Paris: Fayard.